در طول تاریخ و با وجود مشکلات مختلف، اعتقاد بانوان ایرانی نسبت به حجاب و پوشش، کمرنگ نشده است

در روزهایی که یادآور اجرای طرح استعماری حذف حجاب به دست رضاخان است، از بانوان محجبه درباره مشکلات این روزهای شان پرسیده‌ایم

مرثیه‌ای برای مظلوم همیشگی تاریخ

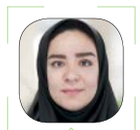

نرگس خانعلی‌زاده
جامعه

۸۴ سال پیش؛ درست ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴ رضاخان جشن کشف حجاب در کشور برگزار و قانون کشف حجاب زنان را به طور علنی اجرا کرد. آنقدر که خودش همراه همسر و دخترش که بی‌حجاب بودند، در این جشن شرکت کردند.

این اتفاق در حالی رخ داد که روزهای قبلش، مردم در اعتراض به کشف حجاب، تحصن و قیام‌های متعددی را در تاریخ ثبت کردند، اما هیچ‌کدام راه به جایی نبرد و روزهای بعد از این قانون اجباری، روزهای سختی برای خانم‌های محجبه کشور شد.

حالا و در این اوضاع و احوال گرانی و شرایط بد اقتصادی، پوشش‌های منسوب به حجاب و عفاف، گران و در برخی موارد نایاب شده است به همین خاطر بانوان محجبه نمی‌توانند چندان آسان نیازهایشان را برآورده کنند.

هرچند تاریخ، ثابت کرده که مشکلاتی از این دست نمی‌تواند در اعتقادات بانوان محجبه خللی وارد کند، اما این وظیفه مسؤولان است که حمایت از حجاب را محدود به سخنرانی‌هایشان نکنند و با ایجاد بستر مناسب و حمایت از تولیدکنندگان داخلی شرایط مناسبی را فراهم کنند.

جای خالی داخلی‌ها

با همه سر و صداها و اعتراض‌های مردم جامعه، رضاخان کار خودش را کرد و قانون اجرایی شد. ماموران رژیم، روز و شب در خیابان راه می‌رفتند و هر زن باحجابی که می‌دیدند، چادر و روسری‌اش را از سرش برمی‌داشتند. روزهای سختی بود برای همه کسانی که با عقل و دلشان حجاب را انتخاب کرده بودند و با این تهدیدها آن را کنار نمی‌گذاشتند؛ اما تهدیدها همیشه به یك شکل نمی‌ماند.

حالا قیمت پارچه‌های چادر مشکی وارداتی به کشور، متناسب با بالا رفتن ارز افزایش پیدا کرده است. اتفاقی که توانست جای خالی تولیدی‌های چادر مشکی قدرتمند و متعدد را در کشوری که بالاترین مصرف چادر مشکی را دارد، پررنگ‌تر از همیشه نشان بدهد. آن روزها قانون اجباری کشف حجاب و این روزها گرانی سرسام‌آور محصولات حجاب، شرایط را برای خانم‌های محجبه سخت کرده است. موضوعی که درست مثل آن قانون سخت هشتاد و خرده‌ای سال پیش، حجاب‌ها و محجبه‌ها را کم نمی‌کند اما می‌شود آرزوی بهبود اوضاع را کرد؛ نمی‌شود؟

اینجا یکی از فروشگاه‌های محصولات حجاب و عفاف تهران است. دختر جوان چادرش را انتخاب کرده است و به دنبال ساق دست مورد علاقه‌اش می‌گردد. در لابه‌لای شك و دو دلی‌اش بین انتخاب رنگ‌ها از چادری که در دستش است می‌پرسیم؛ این که هر چند وقت یك بار چادر می‌خرد:« خرید چادر هم درست مثل دیگر نیازهاست. یعنی زمان‌بندی دقیقی ندارد؛ هر وقت که احساس نیاز کنم، هر وقت که چادرم به جایی گیر کند، پاره شود، هر وقت که بر اثر مصرف زیاد یا شست و شوی زیاد، احساس کنم دیگر به دلم نمی‌چسبد، یك چادر جدید می‌خرم. در واقع چادر، همان چیزی است که هر وقت بخواهیم پایمان را از خانه بیرون بگذاریم، باید انتخابش کنیم. درست مثل مانتو، مثل روسری، مثل کفش. مثلا شما هر چند وقت یك بار کفش می‌خرید؟»

دختر جوان سعی داشت با مثال‌های مختلف برایمان توضیح بدهد چادر پوششی متفاوت از دیگر لباس‌هایمان نیست. برای چادر هم باید هزینه کرد، باید تصمیم به انتخاب مدلش گرفت، باید از آن مراقبت کرد و چندین و چند باید دیگر که در اوضاعی مثل حالا، مجبور به خرید دوباره‌اش نشد. در این وسط، خانم جوان دیگری وقتی صحبت‌هایمان را می‌شنود، حرف‌هایمان را کامل می‌کند:« ببینید الان اگر بخواهی یك چادر خیلی ساده و معمولی بخری، نمی‌توانی چادری با قیمت کمتر از ۳۰۰ یا ۴۰۰ هزار تومان پیدا کنی؛ دیگر چادرهایی که کمی با کیفیت‌تر و کارشده‌تر است که به یك میلیون تومان هم می‌رسد.»

حواستان به چادر باشد

خانم فروشنده تا الان سکوت کرده است؛ اما انگار حالا جمع را خودمانی‌تر از چند دقیقه پیش می‌بیند که وقتی نظرش را می‌پرسیم، از اوضاع این چند ماهه بازار چادر مشکی برایمان می‌گوید:« موج اول گرانی‌ها دقیقا بعد از گرانی‌های یکدفعه‌ای اجناس بود. دقیقا بعد از آن موج، خریدهای اجناس فروشگاه ما هم بالا رفت. و تقریبا سه تا چهار برابر شد و خب کم‌کم در طول چند ماه، احساس کردیم که مشتری‌هایمان نسبت به اواخر سال گذشته کمتر شده است. خب حق هم دارند؛ حالا که چادر آنقدر گران شده است، هرکسی سعی می‌کند با همان چادرهای قبلی‌اش مدارا کند و حواسش بیشتر برای مراقبت به آن جمع باشد دیگر.» این طور که خانم فروشنده تعریف می‌کند، چادری که قبلا در گران‌ترین حالت صد هزار تومان بوده، حالا قیمتش چیزی نزدیك به ۳۰۰ هزار تومان شده است. همان خانم جوان حرف‌هایمان را تکمیل می‌کند:«می‌دانید، مثلا با قیمت یك چادر، می‌شود دو تا یا سه تا مانتو خرید. البته نه هر چادر و نه هر مانتویی؛ ولی منظورم این است به جای این که شرایط برای ما که این پوشش را انتخاب کردیم، بهتر بشود، هر روز شرایط سخت‌تر می‌شود. همین چادری که من امروز آن را خریدم، ۲۰۰ هزار تومان نسبت به خرید دفعه قبلم گران‌تر شده است. خب ۲۰۰ هزار تومان مگر کم است؟» البته تاکید دارد که بگوید می‌داند که این اوضاع کل کشور و برای همه‌چیز است، اما کاش حساب یك‌سری کالاها را از باقی نیازها جدا می‌کردیم:

«می‌دانید منظورم چه است؟ این که ممکن است من بگویم فلان چیز را نمی‌خرم، به جایش روی مبلغی که می‌خواهم برای چادر هزینه کنم می‌گذارم اما خب چرا؟ چرا کسی که چادر را انتخاب می‌کند، باید دچار چنین زحمتی بشود؟» راست می‌گویند؛ چادر دیگر نیازی کاذب نیست که بگوییم کسی که فلان چیز را می‌خواهد، خب پولش را هم بدهد. با این همه، پیگیری‌هایمان را محدود به همان فروشگاه و همان مشتری‌ها و همان فروشنده نکردیم. باید از همه‌گیر بودن ماجرا بیشتر مطلع می‌شدیم. اتفاقی که وقتی ادامه‌اش دادیم و با چند فروشگاه اینترنتی چادر مشکی و دیگر محصولات حجاب حرف زدیم، با ابعاد دیگر ماجرا مواجه شدیم. این که حالا و بعد از گذشتن از آن روزهای اوج گرانی، نمی‌دانیم با چه روشی اما فروشنده‌ها سعی کرده‌اند جایی برای رقابت با هم‌صنفانشان پیدا کنند و پرچم خودشان و فروشگاه حجابشان را بالا ببرند. این را وقتی فهمیدیم که از قیمت‌هایشان پرسیدیم و یکی از آنها با آگاهی کامل از گرانی چادر، در برابر سوال‌مان لبخند زد و گفت:« قیمت چادرهای ما نه‌تنها گران نشده، بلکه تخفیف ۵ درصدی هم روی همه محصولاتمان گذاشته‌ایم تا در این اوضاع گرانی، خانم‌ها با خیال راحت، پوشش چادرشان را انتخاب کنند.» به نظر می‌رسد انتقادها بر سر گرانی کالایی با این ارزش، از نمایندگان و مسؤولان، تا تولیدکنندگان و حتی فروشنده‌های این کالا را به فکر انداخته است تا رونق خرید و فروش چادر مشکی به روزهای اوج خودش برگردد.

رسمی‌ترین پوشش ما

برای تکمیل گزارش باید با افراد بیشتری صحبت می‌کردیم. کسی که مصرف و استفاده‌اش از چادر در طول روز زیاد است، بهترین گزینه برای این هدف بود. خانم شفیعی، معلم دبستان است و بنا به کار و فعالیت روزانه‌اش، به مدت طولانی از چادر مشکی در طول روز استفاده می‌کند. او درباره مصرف سالانه چادر مشکی توضیحات کاملی به ما می‌دهد: «این که هر خانمی چقدر از چادر مشکی استفاده می‌کند و هر چند وقت یك بار، نیاز به خرید دوباره چادر دارد، کاملا به نوع فعالیتش بستگی دارد ولی در حالت کلی، یك خانم چادری، به طور معمول سالی دو تا چادر نیاز دارد؛ یك چادر برای استفاده روزمره‌اش که معمولا ارزان‌تر است و دیگری چادری برای مهمانی‌ها و مکان‌های کمی رسمی‌تر است که دوخت و نوع پارچه و مدل و حتی طرح روی پارچه می‌تواند متفاوت باشد. من خودم به عنوان یك خانم چادری، چند مدل چادر دارم که هر جایی بسته به شرایط، یکی از آنها را سر می‌کنم. درست مثل خانمی که مانتوهای متفاوتی دارد، ما هم چادرهای متفاوتی داریم. چون چادر پوشش اول و اصلی ماست. مثلا من برای استفاده روزمره ترجیح می‌دهم از چادری استفاده کنم که دیر چروك بشود یا وقتی آن را می‌شویم، نیازی به اتو نداشته باشد. یا مثلا این که برای سرکار یا دانشگاه، ترجیح می‌دهم چادر لبنانی یا دانشجویی به سر کنم که بتوانم راحت به کارم برسم.» این که قیمت چادر گران‌تر از ماه‌ها قبل شده است، موضوع تایید شده‌ای است اما این که چقدر و تا چه‌اندازه این تغییر قیمت بر قدرت خرید خانم‌ها تاثیرگذار بوده، گفت‌وگوی اصلی این روزها بین خانم‌های محجبه شده است:« طبیعتا چادری که برای استفاده روزمره مصرف می‌کنیم، قیمتش پایین‌تر است اما همان قیمت کم هم افزایش داشته است. مثلا من خودم آخرین بار، عید سال گذشته با قیمت ۲۵۰ هزار تومان چادر مشکی معمولی خریدم اما همکارانم در روزهای اخیر، بین ۳۰۰ تا ۳۵۰ هزار تومان هزینه کرده‌اند.» اما این فقط درباره چادرهایی که به قول خانم شفیعی، مصرف روزانه دارد، صدق می‌کند. چادرهای کمی باکیفیت‌تر و شاید طرح‌دارتر، پایشان را کمی فراتر از این قیمت‌ها گذاشته‌اند:« من چادر مجلسی کار شده‌ام را دو سال پیش، از بازار و معروف‌ترین چادر فروشی آنجا به قیمت ۴۰۰ هزار تومان خریدم اما حالا قیمت‌هایش را از دوستانم از ۶۰۰ هزار تومان تا حدود یك میلیون تومان می‌شنوم.» این طور که او می‌گوید، اگر خانمی، شاغل یا دانشجو باشد، حتما نیاز به سالی یك چادر جدید دارد.

حق با شماست

info@jamejamdaily.ir
روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲

 # اتحاد ـ دشمن

جمعی از شهروندان:

شهادت سردار قاسم سلیمانی باعث افزایش اتحاد بین مردم شده است و دشمنان ایران اسلامی باید بدانند مردم از خون سردار سلیمانی کوتاه نمی‌آیند.

 # بیمارستان ـ فارابی

بلقار از تهران:

سرویس‌های بهداشتی بیمارستان فارابی نامناسب است و نیاز به رسیدگی، تجهیز و تعویض وسایل دارد.

 # شهید ـ وطن

گودرزی از تهران:

یاد سردار سلیمانی در دل مردم ایران همیشه روشن و زنده است و عاشقان وی ادامه‌روی راه ایشان در مقابل استکبار و حراست از وطن هستند.

 # وام ـ مسکن اولی

نامجو از تهران:

زمزمه افزایش وام مسکن با اوراق شنیده می‌شود، ولی اقدامی بابت افزایش وام مسکن اولی‌ها صورت نگرفته است. به نظر می‌رسد به علت سود بالای وام با اوراق، بانك مسکن رغبت بیشتری به افزایش این وام دارد و با توجه به سود کم وام مسکن اولی، علاقه‌ای به افزایش این وام ندارد.

 # مترو ـ وعده

پوراحمد از تهران:

با توجه به تعداد زیاد مسافران خط ۳ متروی تهران و درخواست‌های مکرر شهروندان برای افزایش قطارها، ولی اقدامی از سوی دست‌اندرکاران صورت نگرفت و فقط قول کاهش زمان حرکت قطارها داده شد که این موضوع نیز عملی نشده است.

جوابیه

در پی درج پیامی در روز پنجشنبه ۱۳۹۸/۱۰/۰۵ با عنوان «وضعیت نامناسب آسفالت کوچه‌های خانی‌آباد نو و خیابان میعاد جنوبی» سرپرست روابط عمومی منطقه ۱۹ شهر تهران با ارسال نمابری اعلام کرد: لکه‌گیری و روکش معابر محله خانی آبادنو و نیز خیابان‌های میعاد جنوبی و شمالی به طور مستمر درحال انجام است که در همین راستا در چند ماه گذشته بیش از هزار تن آسفالت در کوچه‌های خیابان میعاد جنوبی و شمالی (ازجمله کوچه‌های ۷۲، ۷۴، ۸۵، کوچه آیینه و...) و همچنین میثاق شمالی و جنوبی پخش شده است.

زوری که به حجاب نرسید

کشف حجاب، واقعه‌ای است که به‌دنبال تصویب قانونی در ۱۷ دی ۱۳۱۴ در ایران رخ داد و به موجب آن، زنان و دختران ایرانی از چادر، روبنده و روسری منع شدند. این قانون اوج سیاست‌های رضاخان در زمینه تغییر لباس بود که از سال ۱۳۰۷ آغاز شده بود. این سیاست‌ها واکنش‌هایی ازجمله قیام مسجد گوهرشاد را در پی داشت. به باور تاریخ‌نگاران، سفر رضاشاه به ترکیه در ۱۳۱۳ شمسی، بر نگرش او درباره میزان عقب‌ماندگی ایرانیان نسبت به ترك‌ها اثرگذار بود و او را نسبت به اجرای کشف حجاب مصمم کرد. وی پس از سفر، به مستشارالدوله صادق، سفیر کبیر ایران در ترکیه گفت: «هنوز عقب هستیم و فورا باید با تمام قوا به پیشرفت سریع مردم خصوصا زنان اقدام کنیم.» صدرالاشراف نیز در خاطرات خود از تأثیر سفر ترکیه بر رضاشاه یاد کرده و نوشته است: «رضاشاه پس از مسافرت به ترکیه در اغلب اوقات ضمن اشاره به پیشرفت سریع ترکیه، از رفع حجاب زن‌ها و آزادی آنان صحبت و تشویق می‌کرد.» در فاصله سال‌های ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۴ شمسی، اقدامات تبلیغاتی به منظور آماده‌ساختن افکار عمومی برای کشف حجاب انجام گرفت. جشن‌ها و مجالس سخنرانی متعددی در این زمینه در تهران و دیگر شهرها برپا شد. کانون بانوان در اردیبهشت ۱۳۱۴ تحت نظارت وزارت معارف و به ریاست شمس پهلوی تأسیس شد. این کانون موظف بود مجالس مختلف سخنرانی برگزار کرده و از اشخاص معروف دعوت کند تا برای حضار راجع به مقام زن و مرد سخنرانی کنند. در تعقیب این سیاست به وزارت معارف دستور داده شد در مدارس کشور مجالس جشن و سرور و خطابه با روی‌باز و بدون حجاب برگزار شود و نیز تصمیم گرفته شد مدارس ابتدایی تا سال چهارم به صورت مختلط توسط زنان اداره شود. در نشریات نیز مقالاتی در انتقاد از حجاب به چاپ رسید. فرمان کشف حجاب به صورت رسمی در ۱۷ دی ۱۳۱۴ صادر شد. در این روز، جشنی از طرف علی اصغر حکمت که خود نقش فعال و مؤثری در این ماجرا داشت، در دانشسرای مقدماتی و در حضور رضاشاه برپا شد. در این جشن همسر و دختران شاه و جمعی از همسران وزیران و وکیلان بدون حجاب شرکت داشتند. شاه طی نطقی همه زنان را به کنار گذاشتن حجاب تشویق و اعلام کرد تاکنون نیمی از جمعیت کشور به حساب نمی‌آمدند؛ زیرا در پرده به سر می‌بردند و ادامه داد نجابت و عفت زن به چادر مربوط نیست و زن روحا و اخلاقا می‌بایست عفیف باشد. از این تاریخ به بعد، استفاده از چادر یا هر سرپوشی، به جز کلاه‌های اروپایی، ممنوع اعلام شد. زنان محجبه حق ورود به خیابان‌ها یا استفاده از وسایط نقلیه را نداشتند. کسبه نیز مجاز به فروش اجناس به زنان با حجاب نبودند. آنهایی که جرأت می‌کردند در مقابل این بی‌قانونی خشونت‌بار ایستادگی کنند، با حمله و بی‌حرمتی مأموران شهربانی مواجه می‌شدند. اما در نهایت، با درخواست علما و مردم، این قانون در سال ۱۳۲۳ در دوره حکومت محمدرضا پهلوی لغو شد.